



نگاهی به رخدادهای آخرالزمان از منظر قرآن - بخش ۱

چکیده

آخرالزمان و مجموعه حوادث آن از جمله مباحثی است که در آیات و روایات اسلامی بدان توجه شده و افزون بر تفسیر و حدیث، در حوزه کلام و مهدویت پژوهی اهمیت ویژه ای دارد. در این نوشتار، نخست مفهوم آخرالزمان و تفاوت آن با اشراط الساعه بررسی شده و نگاه قرآن و دیگر ادیان به این مسئله مدنظر قرار گرفته است. آن گاه مهم ترین رخدادهای آخرالزمان بازکاوی شده اند که عبارتند از: ظاهر شدن دود در آسمان، ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خروج سفیانی، خروج دجال، فرود آمدن عیسی علیه السلام از آسمان، خروج یاجوج و ماجوج، خروج دابه الارض و رجعت. این رخدادها در قرآن و نیز روایات فریقین مورد تأکید قرار گرفته اند.

مفهوم آخرالزمان

به دوران پایانی عمر جهان که از یک سو پایان بخش دوران هستی است و از سوی دیگر آغازگر فروریختن جهان و شروع قیامت است، آخرالزمان گفته می شود. این اصطلاح افزون بر آن که در منابع اسلامی به گونه ای گسترده انعکاس یافته، در منابع و فرهنگ غیر اسلامی نیز راه یافته و امری شناخته شده است (۲).

در منابع اسلامی در کنار اصطلاح آخرالزمان از اصطلاح دیگری به نام «اشراط الساعه = نشانه های قیامت» نیز یاد شده است (۳)، اما تاکنون تحقیق جامعی برای بازشناخت عناصر مفهومی این دو اصطلاح و تفاوت های آن ها انجام نگرفته است. از این رو در بیش تر مباحث مربوط و نیز کتاب هایی که به این مسئله پرداخته، درهم آمیختگی آشکاری به چشم می خورد.



با کنکاشی گسترده و عمیق در پی یابیم اصطلاح اشراط الساعه اعم از اصطلاح آخرالزمان بوده و میان آن دو تفاوت هایی از این دست وجود دارد:

۱. دامنه مفهومی در اصطلاح اشراط الساعه از دوران بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آغاز می شود (۴) و تا فروریختن نظام عالم شامل فروریختن آسمان ها، زمین، کوه ها و ... استمرار می یابد (۵)، در حالی که دامنه مفهومی آخرالزمان تنها به دورانی خاص، یعنی دوره پایانی هستی و پیش از فروریختن نظام عالم، محدود است.

۲. از آن جا که آخرالزمان، دورانی ملحق به دنیا محسوب می گردد، مبانی تکلیف شامل آگاهی، اراده و اختیار در این دوران سریان دارد. از این رو مردم در این دوره برای انتخاب دین حق یعنی اسلام - که از سوی مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف ابلاغ می شود - کاملاً مختار خواهند بود و راه برای توبه و بازگشت کافران و فاسقان هم چنان هموار است، مگر آن که به تیغ قهر آن حضرت گرفتار شوند.

از طرفی به تصریح قرآن با آمدن قیامت و «طلوع خورشید از مغرب» به عنوان تحقق یکی از آیات الهی و آغاز از هم پاشیدن نظام دنیا دوران بازگشت به ایمان و عمل صالح پایان پذیرفته و صف مؤمنان از کافران به صورتی ناخواسته از هم متمایز می شود. (۶) این امر نشان می دهد اگر در بخشی از دامنه مفهومی اشراط الساعه، یعنی از دوران رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا دوران آخرالزمان، دامنه تکلیف استمرار دارد، در بخشی دیگر از آن، یعنی پس از دوران آخرالزمان تا ظهور قیامت، عرصه تکلیف رخت برمی بندد.

از طرف دیگر با تکیه بر این نکته می توان مصادیق رخدادهای آخرالزمان را از اشراط الساعه متمایز ساخت. به این بیان که مصادیقی هم چون ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، فرود آمدن عیسی علیه السلام، رجعت و ظاهر شدن دود در آسمان ناظر به رخدادهای آخرالزمان خواهد بود، در حالی که حوادثی هم چون طلوع خورشید از مغرب، شکافتن آسمان و ... مربوط به اشراط الساعه است. بر این اساس، ثبات و ماندگاری نظام عالم و استمرار قانون تکلیف از اختصاصات آخرالزمان است، در حالی که با شروع



آن دسته از نشانه های قیامت (اشراط الساعه) که پس از آخرالزمان تحقق می یابد، افزون بر آن که دامنه تکلیف برچیده می شود، نظام عالم فرو خواهد ریخت؛ چنان که آخرالزمان و رخدادهای آن را تماماً باید به عنوان یکی از نشانه های قیامت و اشراط الساعه ارزیابی کرد(۷).

آخرالزمان در قرآن

در قرآن کریم از آخرالزمان به روشنی سخن به میان نیامده، اما در لا به لای برخی از آیات به آن اشاره شده است. این آیات را به چند دسته می توان تقسیم کرد:

۱. از وقوع برخی از رخدادها خبر داده که از گذشته تا حال تحقق نیافته و از آن جا که در خود این آیات وقوع آن ها به ظهور نشانه های قیامت هم راه است، می توان نتیجه گرفت که ظرف تحقق آن ها آخرالزمان است(۸). چنان که از خروج یأجوج و مأجوج و خرابی سد ذوالقرنین خبر داده و این رخداد را نزدیک به قیامت دانسته است(۹). هم چنین نزول عیسی علیه السلام از آسمان را از نشانه های قیامت برشمرده(۱۰) و رجعت گروهی از انسان ها به عنوان رخدادی پیش از وقوع قیامت معرفی شده است(۱۱).

۱. از میراث بری زمین توسط صالحان و مستضعفان و حکومت آنان به عنوان سنت و اراده تخلف ناپذیر الهی خبر داده شده است(۱۲) و از آن جا که میراث بر، اموال و امتیازات صاحبان پیشین را مالک می شود، می توان دریافت چنین میراث بری گسترده ای که تمام زمین را دربرمی گیرد، پس از آخرین سلسله از حکم رانی و سلطه بر زمین توسط زمام داران ناشایسته در فرجام جهان، تحقق می یابد؛ زیرا با فرض هر حکومتی پس از صالحان و مستضعفان، میراث بری آن ها مفهومی نخواهد داشت.

۳. چیره شدن اسلام بر همه ادیان و حاکمیت مطلق اسلام بر تمام جهان که در آیاتی از قرآن پیش بینی شده است(۱۳) امری است که تاکنون تحقق نیافته و رخدادی نیست که به صورت طبیعی و بدون استفاده از دعوت علنی و همگانی مهدی عجل الله تعالی فرجه



الشریف و استفاده از قدرت اسرار و قهر تحقق پذیر باشد. از این رو باید پذیرفت این وعده الهی در دوران پایانی دنیا هم زمان با ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام خواهد گرفت. (۱۴)

افزون بر قرآن، آخرالزمان و رخدادهای آن به صورتی بس گسترده و با جزئیات بسیار در روایات فریقین انعکاس یافته و صاحبان جوامع روایی این روایات را در کتاب هایی با عناوین الفتن و الملاحم یا الفتن و اشراط الساعة (۱۵) ذکر کرده اند.

فرجام جهان از نگاه ادیان آسمانی

قرآن اعلام داشته که میراث بری زمین توسط صالحان در کتاب زبور نوشته شده (۱۶)، چنان که در آیه «وإن من أهل الكتاب إلا ليومننَّ به قبل موتِه» (۱۷) به طور ضمنی از نزول عیسی علیه السلام سخن به میان آورده است. این امر نشان گر آن است که ادیان آسمانی پیشین کم و بیش از فرجام جهان و نشانه های آن خبر داده اند.

در تورات در داستان پیامبرانی چون عاموس، هوشع، اشعیا، میکا، ارمیا و... از روز خدا سخن به میان آمده که در آن پادشاهی از نسل داود- یعنی فرزند انسان که روح خدا بر او قرار گرفته ظهور خواهد کرد و جهان را از عدل و خیر و برکت پر خواهد ساخت. هم چنین در پیش گویی های حزقیان از هجوم جوج (یا جوج) و هلاکت آن ها و تغییرات کیهانی مانند تاریکی خورشید و ستارگان خبر داده شده است و در نوشته های بین النهرین از هجوم سپاه یا جوج و مأجوج و فتنه مسیحای دروغین (دجال) و ظهور منجی ای که پسر انسان، پسر خدا و انسان یاد شده، گزارش شده است.

در اناجیل مسیحیان از نزدیک بودن پایان دنیا، رجعت عیسی، ظهور مسیحیان دروغین، شایع شدن قحط سالی، وبا، زلزله های مرگ بار، جنگ ها و بلاهای سخت و نابود شدن سپاه یا جوج و مأجوج گفت و گو شده است (۱۸).



عیسی علیه السلام در عبارتت چین می فرماید: «کمرهای خود را بسته، چراغ های خود را فروخته بدارید. مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید...» و اساساً گفته شده که محور و مرکز تعلیمات عیسی علیه السلام بشارت نجات و تحقق ملکوت خداست (۱۹).

فرجام جهان از نگاه اسلام

از مجموعه آیات و روایات درباره آخرالزمان چین بهره می گیریم:

۱. همان گونه که جهان با آفرینش آدم به عنوان نخستین انسان، آغازی روشن دارد، در پایان نیز فرجامی مشخص و معین خواهد داشت و اول و آخر این کهنه کتاب، چنان که برخی پنداشته اند، نیفتاده است.
۲. جهان به سوی حاکمیت ظلم و کفر پیش می رود و با وجود تلاش پیامبران، مردم از مسیر ترسیم شده آن ها منحرف می شوند و در نظام اجتماعی، ستم و در روابط فردی، فسق و فجور حاکم خواهد شد.
۳. با این حال در پایان هستی، ظلم و کفر از جهان رخت برمی بندد و با چیره شدن اسلام بر تمام ادیان، صالحان مستضعف حاکمیت جهان را برعهده خواهند گرفت.
۴. برای برچیده شدن ظلم و کفر و حاکمیت عدالت و اسلام، انسانی والا و بزرگ از سلسله امامان به نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذخیره شده است.
۵. با بسته شدن پرونده جهان با حاکمیت دین و عدالت، جهانیان مهبای ظهور رستاخیز و برچیده شدن نظام هستی می شوند.

فلسفه فرجام هستی



مکاتب زمینی از ترسیم جهان ناتوانند و هیچ پاسخ روشنی در این باره ارائه نمی کنند. در مقابل، ادیان آسمانی به ویژه اسلام به طور شفاف به پایان هستی و فرجام نیک آن پرداخته اند. ادیان الهی، در کنار تعریفی روشن از خالق، هستی و انسان، تعریفی روشن از جهان، آغاز و انجام آن دارند. توان گزارش گری از آینده به منزله اخبار از غیب، نشانه ای از حقانیت ادیان آسمانی است. آیا دینی که از آبخور وحی آسمانی بهره ندارد، می تواند با قاطعیت اعلام کند روزی منجی عالم ظهور خواهد کرد؟

از سوی دیگر، همواره هر انسان مؤمن و آزاده از حاکم نبودن دین و عدالت بر پهنه گیتی رنج می برد. این حاکمیت، گاه چنان تاریخ تلخی داشته که امید رهایی و نجات را در دل هر انسان میرانده و از این رو، بسیاری با ناامیدی کامل چشم از جهان فرو بستند. در مقابل، چراغ امید و آرزو در دل کسانی که با آموزه های پیامبران آشنا شدند و از فرجام نیک جهان آگاهی یافته اند، همواره روشن است. وجود چنین امیدی در دل ها، موجب پویایی، حرکت و تلاش است. بدین سبب، انتظار ظهور منجی نه تنها باعث رخوت و سستی نمی شود، بلکه موجی از حرکت و جوشش را به دنبال می آورد.

رخدادهای آخرالزمان

به استناد آیات قرآن و روایاتی که در تفسیر و تبیین آن ها وارد شده است، رخدادهای آخرالزمان را می توان چنین برشمرد:

۱. ظاهر شدن دود در آسمان؛ ۲. ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ ۳. خروج سفیانی؛ ۴. خروج دجال؛ ۵. فرود آمدن عیسی علیه السلام از آسمان؛ ۶. خروج یاجوج و ماجوج؛ ۷. خروج دابۀ الارض؛ ۸. رجعت.

در میان این رخدادها، ظاهر شدن دود در آسمان، تغییری کیهانی بوده و سایر رخدادها مربوط به تحولات اجتماعی است.

۱. ظاهر شدن دود در آسمان



«فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ مُّبِينٍ» (۲۰)؛

پس در انتظار روزی باش که آسمان دودی نمایان برمی آورد.

برای این آیه شریفه دو شأن نزول ذکر شده است:

الف) از آن جا که مشرکان مکه بر کفر و لجاجت خود پافشاری کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن ها را نفرین کرد و از خداوند خواست آنان را به قحط سالی دوران یوسف علیه السلام مبتلا کند. در اثر نفرین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قحط سالی شدیدی به مشرکان منکر روی آورد، به گونه ای که در اثر شدت گرسنگی، آسمان را به سان دود می دیدند (۲۱).

بر اساس این شأن نزول، وعده ظاهر شدن دود در آسمان، پیش از این در مکه رخ داده و دود نیز واقعی نبوده، بلکه آنان از شدت گرسنگی، آسمان را دود می دیدند.

ب) مفسران بزرگ بر آنند که این آیه، یکی از تغییرات کیهانی را نشانه ای از آخرالزمان برشمرده که در زمان موعود تحقق خواهد یافت. (۲۲)

آن چه از ظاهر این آیه و آیات پسین به دست می آید، شأن نزول دوم را تقویت می کند؛ زیرا از ظاهر آیات درمی یابیم:

۱. ظاهر کلمه «دخان» دود واقعی است و حمل آن بر تاریکی آسمان در اثر گرسنگی خلاف ظاهر است.

۲. توصیف دخان به مبین (آشکار) با برخورد انحصاری آن با گروهی از مشرکان مکه سازگار نیست.



۱۳. این دود تمام مردم را در می‌گیرد (یعنی الناس). با چنین توصیفی نمی‌توان پذیرفت تنها در منطقه‌ای محدود هم چون مکه منتشر شده باشد (۲۳). از آن جا که پس از استغاثه کافران این عذاب الهی از آنان برداشته می‌شود، این رخداد مربوط به آخرالزمان خواهد بود که در آن باب توبه و بازگشت و رفع عذاب هم چنان گشوده است.

در روایات فراوانی دود آسمان به عنوان یکی از نشانه‌های قیامت که در آخرالزمان رخ می‌دهد، معرفی شده و در توصیف آن چنین آمده است: دودی آشکار به سان سرگوساله بریان شده از عدن برمی‌خیزد و چهل شبانه روز مشرق و مغرب جهان را چنان پر می‌کند که زمین به خانه‌ای می‌ماند که در آن آتش افروخته باشند و همه شکاف‌های آن پر از دود شود. این دود تمام ساکنان زمین را فرا می‌گیرد، با این تفاوت که برای مؤمن موجب زکام می‌شود، اما کافر را مست و بی‌هوش کرده از بینی و گوش او خارج می‌گردد (۲۴).

۲. ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

آیاتی که به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورتی آشکار یا به اشاره دلالت دارند، شش دسته‌اند:

الف) آیاتی که بر طغیان و سرکشی گروهی از مردم به رهبری سلسله جنبانان کفر و فسق هم چون لشکر سفیانی (۲۵) و دجال (۲۶) دلالت دارند و به استناد روایات در دوران ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دست ایشان یا عیسی علیه السلام هلاک خواهند شد.

ب) آیاتی که به نزول عیسی علیه السلام از آسمان اشاره دارند (۲۷) و به استناد روایات، این نزول هم زمان با ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و برای حمایت از ایشان انجام می‌گیرد.



ج) آیاتی که بر خروج دابه الارض از زمین و بازگشت گروهی از صالحان و فاسقان دلالت دارد (رجعت) (۲۸) و بر اساس روایات، این ماجرا در دوران ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ می دهد.

د) آیاتی که از وعده و سنت الهی پیروزی صالحان و مستضعفان بر مستکبران، و حکومت صالحان بر سراسر زمین خبر داده (۲۹) و براساس روایات، به ظهور و حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره می کنند.

ه) آیاتی که از چیره شدن فراگیر اسلام بر جهان و نابودی همه ادیان دیگر سخن به میان آورده اند (۳۰) و تحقق چنین مسئله ای در دوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

و) آیاتی که به خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و گرد آمدن یاران ایشان پرداخته اند (۳۱).

از آن جا که سه دسته نخست آیات به طور جداگانه در این نوشتار بررسی شده اند، به بررسی دیگر آیات می پردازیم:

وعده الهی حکومت صالحان

از دو آیه «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ» (۳۲) و «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (۳۳) در می یابیم:

الف) میراث بری زمین توسط صالحان، وعده حتمی الهی است.

ب) (این وعده افزون بر قرآن- که در آیه فوق از قرآن با عنوان ذکر یاد شده است - در برخی دیگر از کتاب های آسمانی پیشین هم چون زبور داود نیز گزارش شده که بیان گر فراگیر بودن انتظار منجی و نجات و پیروزی صالحان در میان ادیان آسمانی است.

ج) تأکید بر واژه «ارض» نشان گر وسعت و فراگیر بودن دامنه وعده الهی است که تمام زمین را دربرمی گیرد.



ه) به کار بردن واژه «ارث» نشان می‌دهد پیش از آن‌ها حکومت جهانی به دست انسان‌های ناشایست و غیر صالح اداره می‌شود که با فرارسیدن وعده الهی، این حکومت از دست آن‌ها خارج و به عنوان میراث به دست صالحان می‌رسد.

با توجه به این که قرآن انسان‌هایی که از هر نظر روان خود را پالایش کرده و گوهر جان آن‌ها خدایی شده است صالح می‌نامد، می‌توان نتیجه گرفت انسانی بس شایسته رهبری صالحان وارث زمین را برعهده خواهد گرفت. به بیان روشن‌تر، از این آیات افزون بر آن که درمی‌یابیم زمام داران عصر مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف انسان‌هایی صالح و شایسته اند، می‌توان گفت شخص مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف به عنوان رهبر و پیشوا در اوج نزهت و صالح بودن قرار دارد.

بنابر آن چه گفته شد، تطبیق این آیات بر حکومت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف در روایات (۳۴) کاملاً منطقی به نظر می‌رسد.

در آیه «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلُهُمْ أُئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (۳۵) از اراده تخلص ناپذیر الهی برای پیروزی مستضعفان و پیشوایی آن‌ها سخن به میان آمده که در روایات به حکومت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف تطبیق شده است. (۳۶) این آیه در لا به لای آیاتی قرار دارد که در آن‌ها تفصیل ماجرای ستم فرعون و استضعاف بنی اسرائیل و نجات آن‌ها به دست موسی علیه السلام بیان شده است و با وجود آن که ظاهر آیه از اراده الهی برای نجات بنی اسرائیل مستضعف از دست فرعون و حکومت وی خبر داده، اما اراده ای فراگیر که روزی همه مستضعفان جهان را دربرمی‌گیرد، از مفهوم آیه برداشت شده است.

شباهت‌هایی که بین داستان موسی علیه السلام و بنی اسرائیل با داستان مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف و مستضعفان آخرالزمان وجود دارد، صحت و ظرافت این برداشت فراگیر را تأیید می‌کند (۳۷). این شباهت‌ها بدین قرارند:

۱. به سان دوران موسی علیه السلام، پیش از ظهور مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف فراعنه و حکم رانان جبّار و ستم‌گری حکومت خواهند داشت و چنان که در روایات متواتری آمده است، جهان در اثر ستم‌گری آن‌ها پر از ظلم و بیداد خواهد شد.



۲. چنان که بنی اسرائیل با وجود همه ستم های بسیار حکومت فرعون، به آمدن انسانی منجی به نام موسی امید داشتند، مؤمنان و مستضعفان همواره به آمدن منجی عالم، یعنی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آرزومندند و آمدن او را انتظار می برند.

۳. همان گونه که سنت و اراده تخلف ناپذیر خداوند مبنی بر حکومت مستضعفان در ماجرای بنی اسرائیل به دست شخصی به نام موسی علیه السلام تبلور یافت، این سنت در آخرالزمان به دست انسانی به نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق خواهد یافت.

۴. همان گونه که خداوند موسی علیه السلام را در دل خانه دشمن و به صورت ناشناس حفظ و حراست نمود، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نیز با وجود زندگی بین دشمنان به صورت ناشناس حفظ و نگاهبانی می کند.

۵. همان گونه که در فرجام ماجرای بنی اسرائیل، فرعون و حکومت او نابود شد و حکومت الهی به دست موسی علیه السلام شکل گرفت، همه مؤمنان مستضعف به دست مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از زیر یوغ ستم گران و کافران نجات یافته و حکومت الهی توسط آن امام تشکیل خواهد شد.

تنها تفاوت این دو ماجرا سطح و گستره آن هاست. گستره پیام و نجات بخشی موسی عجل الله تعالی فرجه الشریف منحصر به بنی اسرائیل و بخشی از زمین بوده است اما پیام، نجات بخشی و حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تمام جهانیان در گستره زمین را دربر خواهد گرفت.

حاکمیت اسلام در سراسر گیتی

از ظاهر آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (۳۸) در می یابیم هدف نهایی رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم چیره شدن اسلام به عنوان دین حق بر تمام ادیان جهان است، گرچه مشرکان در برابر تحقق این هدف ایستادگی خواهند کرد. پیداست این هدف تاکنون تحقق نیافته و اسلام تنها در بخشی از جهان گسترده شده است. در روایات



اهل بیت علیهم السلام زمان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اعلام شده است. امام صادق علیه السلام در پاسخ ابوبصیر فرمود: «سوگند به خدا، هنوز تفسیر این آیه تحقق نیافته است و وقتی با اراده خداوند، قائم قیام نماید، کافران و مشرکان از قیام و ظهور وی ناراضی و نگران خواهند بود.» (۳۹) حضرت امیر علیه السلام نیز فرمود: «خداوند مصداق این آیه را آشکار نساخته است. سوگند به کسی که جانم به دست اوست، هیچ آبادی نمی ماند، مگر آن که هر صبح و شام در آن شهادت به وحدانیت خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله و سلم دهند» (۴۰).

امام باقر علیه السلام زمان تحقق تفسیر آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» (۴۱) را زمان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته که اثری از شرک در زمین باقی نخواهد ماند (۴۲) و امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه «وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» (۴۳) فرمود:

این آیه در شأن قائم نازل شده، که هنگام ظهور، اسلام را بر یهودیان، مسیحیان، ستاره پرستان، بی دینان، مرتدان و کافران در شرق و غرب جهان عرضه می نماید. هر کس از روی تمایل اسلام را بپذیرد او را به نماز و زکات و انجام دستوراتی که بر هر مسلمان واجب است، مکلف می سازد و هر کس تن به پذیرش اسلام ندهد گردشش را می زند، به طوری که در سراسر جهان جز موحد و یکتاپرست باقی نمی ماند (۴۴).

ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و گرد آمدن یاران او

در برخی روایات، آیه: «سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» (۴۵) بر خروج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به تأویل برده شده (۴۶) و نیز در برخی دیگر از روایات، آیه «خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُقُهُمْ ذُلُّهُ وَ قَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ» (۴۷) بر قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق شده است. (۴۸) بندگان که یهود طغیان گر را «پس از طغیان دوم گوش مالی خواهند داد» (۴۹) مهدی و یارانش خواهند بود (۵۰) و آیه «إِنَّمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا» (۵۱) بر گرد آمدن یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر شده است. (۵۲) علامه طبرسی می گوید: در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده که مراد از آن ها یاران مهدی



عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمان است. (۵۳) به استناد برخی روایات، این امر زمانی روی می دهد که آن حضرت وارد مسجدالحرام شده و پشت به حجرالاسود با صدای بلند خود را معرفی کرده و یاران خود را به یاری می طلبد. صدای ایشان چنان طنین انداز می شود که تمام ساکنان زمین از ظهورش مطلع می گردند (۵۴).

از مجموع آیات مورد اشاره، نکات زیر به دست می آیند:

۱. ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سان ظهور موسی علیه السلام از وعده های حتمی و سنت های تخلف ناپذیر الهی است که زمانی تحقق خواهد یافت. روایاتی هم چون «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَبَعَثَ اللَّهُ فِيهِ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلُوهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جُورًا» (۵۵) ناظر به همین وعده حتمی الهی است.

۲. از مضامینی هم چون میراث بری و نیز علایمی دیگر درمی یابیم ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمان و پیش از پایان یافتن دنیا انجام می گیرد.

۳. ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در شرایطی است که در دنیا ادیانی به جز اسلام حاکم است و با ظهور ایشان اسلام بر سرتاسر گیتی حاکم خواهد شد.

۴. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شرایطی ظهور می کند که ظلم، فسق و فجور جهان را فراگرفته است و حکومت ایشان پایان بخش ستم ها خواهد بود.

۵. قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با حوادثی هم چون خروج دجال و سفیانی و برخی تغییرات کیهانی هم راه است.

۶. دوران حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ماجرای رجعت رخ خواهد داد.



۱. با توجه به این که در برخی آیات، پس از یاد کرد علایم ظهور و حکومت ایشان از نشانه های ظهور قیامت هم چون دمیدن در صور سخن به میان آمده، می توان نتیجه گرفت که پایان حکومت و دوران ایشان آغازگر ظهور رستاخیز خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها :

۱. دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران .

۱. نک: دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۱۳۲، مقاله «آخرالزمان» .

۱. برای آگاهی بیش تر از مفهوم اشراف الساعه، نک: دائره المعارف قرآن، ج ۳، ص ۳۵۴ و ۳۴۵؛ پیام قرآن، مقاله «اشراف الساعه»، از نگارنده، ج ۶، ص ۲۱-۴۰ .

۴. اشراف الساعه در آیه شریفه «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا...» «آیا [کافران] جز این انتظار می برند که رستاخیز به ناگاه بر آنان فرا رسد؟ و علامات آن اینک پدید آمده است...» (سوره محمد، آیه ۱۸) به بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تفسیر شده است؛ زیرا از ایشان روایت شده که فرمود: «بین بعثت من و ظهور قیامت به فاصله انگشت میانه و سبابه فاصله است.» (روح المعانی، ج ۱۴، ص ۸۰) .

۱. المیزان، ج ۲۰، ص ۱۶۲ .

۱. آیه چنین است: «هل يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ...» «آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان به سویشان بیایند، یا پروردگارت بیاید، یا پاره ای از نشانه های پروردگارت بیاید؟...» (سوره انعام، آیه ۱۵۸) و بیش تر مفسران به استناد روایت گفته اند که مقصود از آمدن برخی از آیات الهی، طلوع خورشید از مغرب است. (الجامع



لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۱۵۸؛ المیزان، ج ۱۵، ص ۳۹۶ و ج ۷، ص ۳۸۸؛ التفسیر الکبیر، ج ۱۱، ص ۷۳؛ جامع البیان، ج ۱۲، ص ۶۹ و ۱۳۹).

۷. برای مثال در روایات مفصلی انتشار فسق و فجور و حاکمیت ارزش های ضد اخلاقی که مربوط به دوران آخرالزمان است، به عنوان اشراط الساعة معرفی شده است (نک: المیزان، ج ۵، ص ۳۹۴-۴۰۱).

۸. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۹۹-۱۰۰.

۹. «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا»؛ «و چون وعده پروردگارم فرا رسد، آن [سد] را درهم کوبد، و وعده پروردگارم حق است.» (سوره کهف، آیه ۹۸)؛ «حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ»؛ «تا وقتی که یاجوج و مأجوج [راهشان] گشوده شود و آن ها از هر پشته ای بتازند.» (سوره انبیا، آیه ۹۶).

۱۰. «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا»؛ «و از اهل کتاب، کسی نیست مگر آن که پیش از مرگ خود حتماً به او ایمان می آورد، و روز قیامت [عیسی نیز] بر آنان شاهد خواهد بود.» (سوره نساء، آیه ۱۵۹).

۱۱. «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ»؛ «و چون قول [عذاب] بر ایشان واجب گردد، جنبه ای را از زمین برای آنان بیرون می آوریم که با ایشان سخن گوید که: مردم [چنان که باید] به نشانه های ما یقین نداشتند.» (سوره نمل، آیه ۸۲).

۱۲. «و نريد أن نمنَّ على الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ «و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم.» (سوره قصص، آیه ۵).



۱. این امر در آیه ۳۳ سوره توبه، آیه ۹ سوره صف و آیه ۲۸ سوره فتح انعکاس یافته است. در سوره های توبه و صف چنین آمده است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ «اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد، تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید».

۱۴. در روایاتی از اهل بیت علیهم السلام بر این امر تصریح شده است. برای مثال، نک: بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱.

۱. برای مثال نک: بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۹۱، باب اشراط الساعة و قصه یأجوج و مأجوج؛ صحیح بخاری، ص ۱۲۴۹، کتاب الفتن؛ صحیح مسلم، ص ۱۲۰۸، کتاب الفتن و اشراط الساعة؛ یأجوج و مأجوج فتنه الماضي و الحاضر و المستقبل.

«۱۶. وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ «و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.» (سوره انبیاء، آیه ۱۰۵).

۱. سوره نساء، آیه ۱۵۹.

۱. برای تفصیل بیش تر، نک: دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۱۳۲، مقاله «آخرالزمان».

۱. برای تفصیل بیش تر، نک: کتاب مقدس، اشعیا ۱۱ و ۱۲؛ دانیال ۲: ۴۴؛ متی ۲۴: ۱۵-۴۴؛ مکاشفه یوحنا، ۴-۲۲.

۱. سوره دخان، آیه ۱۰.

۲۱. جامع البیان، ج ۱۳، ص ۱۴۳؛ المیزان، ج ۱۸، ص ۱۳۸؛ مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۰۴.

۱. التفسیر الکبیر، ج ۹، ص ۶۵۶؛ المیزان، ج ۱۸، ص ۱۳۷.

۱. التفسیر الکبیر، ج ۹، ص ۶۵۶-۶۵۷.



۱. الکشاف، ج ۴، ص ۱۲۱؛ جامع البیان، ج ۱۳، ص ۱۴۷-۱۴۸.

۱. درباره آیه «و لَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَافُوا وَاخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ»؛ «و ای کاش می دیدی هنگامی را که [کافران] وحشت زده اند [آن جا که راه] گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده اند.» (سوره سبأ، آیه ۵۱) گفته شده که مقصود، لشکر سفیانی است. البته این امر می تواند بر اساس تأویل باشد. (نک: جامع البیان، ج ۱۲، ص ۱۳۰) این مطلب در بخشی از گفتار حضرت امیر علیه السلام در نامه ای خطاب به معاویه نیز آمده است (نک: بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۱۵۷-۱۵۸ و ج ۵۲، ص ۱۸۵).

۱. براساس برخی روایات، مقصود از مجادله کنندگان در آیه «إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ»؛ «در حقیقت، آنان که درباره نشانه های خدا-بی آن که حجتی برایشان آمده باشد- به مجادله برمی خیزند در دل هایشان جز بزرگ نمایی نیست.» (سوره غافر، آیه ۵۶) گفتار یهود درباره ظهور دجال در آخرالزمان است. (نک: کشف الاسرار، ج ۸، ص ۴۸۲).

۱. سوره نساء، آیه ۱۵۹؛ سوره زخرف، آیه ۶۱.

۱. سوره نمل، آیه ۸۴-۸۳.

۱. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵؛ سوره قصص، آیه ۵.

۱. سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره فتح، آیه ۲۸؛ سوره صف، آیه ۹.

۳۱. سوره بقره، آیه ۱۴۸؛ سوره سجده، آیه ۵۶.

۳۲. «زمین از آن خداست؛ آن را به هر کس از بندگانیش که بخواهد می دهد.» (سوره اعراف، آیه ۱۲۸).



۳۳. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵

۱. البرهان، ج ۵، ص ۲۵۶-۲۵۷؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۰۶.

۱. سوره قصص، آیه ۵.

۱. نک: نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۲۵؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۶۷-۱۷۱؛ ج ۵۱، ص ۳، ۱۸، ۵۱؛ البرهان، ج ۶، ص ۵۳-۵۶.

۱. در روایتی از امام سجاد علیه السلام، اهل بیت علیهم السلام و شیعیان ایشان، به موسی علیه السلام و پیروان او، و دشمنان اهل بیت علیهم السلام و هم راهان آنان به فرعون و پیروان او تشبیه شده اند. گفتار امام سجاد علیه السلام چنین است: «و الَّذی بعثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا إِنَّ الْاِبْرَارَ مَنَا اهل البیتِ وَ شیعَتَهُمْ بمنزلهِ موسی وَ شیعَتِهِ وَ اِنَّ عَدُوَّنَا وَ شیعَتَهُمْ بمنزلهِ فرعونَ وَ اشیاعه» (البرهان، ج ۶، ص ۵۶؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۷۵).

۱. سوره توبه، آیه ۳۳.

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۷؛ تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۳۷.

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۴.

«۴۱. و با آنان بجنگید تا فتنه ای بر جای نماند و دین یک سره از آن خدا گردد.» (سوره انفال، آیه ۳۹).

۱. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۵۶؛ بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۸۸.



«۴۳ هر که در آسمان و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است، و به سوی او بازگردانیده می شوند.» (سوره آل عمران، آیه ۸۳).

۴۴. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

«۴۵ به زودی نشانه های خود را در افق ها [ی گوناگون] و در دل هایشان بدیشان خواهیم نمود، تا برایشان روشن گردد که او خود حق است.» (سوره فصلت، آیه ۵۳).

۱. الکافی، ج ۸، ص ۱۶۶ و ص ۳۸۱؛ کتاب الغیبه، ص ۲۶۹؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۶۴.

«۴۷ دیدگانشان به زیر افتاده، خواری آنان را فرو می گیرد، در حالی که [پیش از این] به سجده دعوت می شدند.» (سوره قلم، آیه ۴۳).

۱. معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۵، ص ۴۶۰.

۱. سوره اسراء، آیه ۵.

۵۰. نورالتقلین، ج ۳، ص ۱۳۸.

«۵۱ هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را [به سوی خود باز] می آورد.» (سوره بقره، آیه ۱۴۸).

۱. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه مذکور فرمود: «يَعْنِي اصْحَابَ الْقَائِمِ الثَّلَاثِمَائِهِ وَ الْبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا...» (الکافی، ج ۸، ص ۳۱۳).

۱. مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۲۶.



۱. کتاب الغیبه، ص ۲

۱. این روایت به صورت های مختلف نقل شده است. (نک: کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۸۰ و ۵۷۷؛ کفایه الاثر، ص ۲۶۶؛

وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۵۹۸؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۵، ج ۳۶، ص ۳۶۸.

نویسنده: دکتر علی نصیری